

آسیب‌شناسی آثار مدیریت اسلامی در پرتو تبیین چیستی، چرایی و چگونگی روش موضوع‌شناسی فلسفی در برابر روش مرور موضوعی

جواد آزادی احمدآبادی

دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت بازرگانی دانشگاه امام صادق(ع)

چکیده

پژوهش حاضر با تبیین چرایی و چیستی روش موضوع‌شناسی فلسفی در برابر مرور موضوعی علوم، نقشه‌ هوایی نظام موضوعات مدیریت اسلامی را در سه ساحت کشف، ساخت و تغییر به دست می‌دهد. روش موضوع‌شناسی فلسفی ضمن جبران معایب روش مرور موضوعی، الگویی به دست می‌دهد که مانند چراغی در مسیر پژوهش‌های مدیریت اسلامی، هم مسیر پیش رو را روشن کرده و هم مانع انحراف می‌شود و از همه والاتر، چراغ هدایتی است که بر جمیع رویکردهای متنوع و متفرق در حوزه مدیریت اسلامی، پرتو وحدت می‌افکند. برای تبیین چگونگی موضوع‌شناسی فلسفی و آسیب‌شناسی مستند به نقشه‌ هوایی نظام موضوعات علم، آثار متعددی از حوزه مطالعات مدیریت اسلامی

- فارغ از چگونگی نظر به منبع یا روش اسلامی - بررسی شد و در مجموع، عدم توجه نظام‌وار به هر سه ساحت، چالش اصلی پیش روی حوزه مدیریت اسلامی شناسایی شد. **کلیدواژه‌ها:** موضوع‌شناسی فلسفی، مدیریت اسلامی، علوم انسانی و اسلامی، مرور موضوعی، ادراکات اعتباری، اعتباریات.

۱. مقدمه

تنوع نظریات در حوزه تئوری‌های سازمان و مدیریت عموماً به تکثر روش‌شناسی برمی‌گردد و شاید بتوان گفت فرد خودم‌محور غربی آن‌چنان در فروکاهش هستی‌شناسی به عالم ماده به قهقرا می‌رود که راه برون‌رفت خود را به ناچار در مستندساختن این تنوع به تکثر در روش می‌یابد.

اگرچه روش تحقیق متأثر از مبانی معرفت‌شناختی است (پارسانیا، ۱۳۹۱: ص ۴۹)، اما روش مبتنی بر موضوع تحقیق است (طباطبایی و مطهری، ۱۳۶۸: ص ۲۳، ج ۳). بدین‌سان موضوع‌شناسی تحقیق مقدم بر روش‌شناسی تحقیق است. پژوهش حاضر تلاش دارد تا با آسیب‌شناسی آثار مدیریت اسلامی در پرتو موضوع‌شناسی فلسفی مسیر نوینی را به روی پژوهشگران مدیریت اسلامی بگشاید.

۲. پیشینه پژوهش

پیشینه این پژوهش در دو سطح قابل پیگیری است: اولاً، مطلق‌آثاری که به مرور یا آسیب‌شناسی ادبیات مدیریت اسلامی پرداخته‌اند؛ ثانیاً، آثاری که نظیر پژوهش حاضر با روش موضوع‌شناسی فلسفی به مرور و آسیب‌شناسی ادبیات موجود در حوزه مدیریت اسلامی پرداخته‌اند.

۱-۱. مطلق‌مرور یا آسیب‌شناسی آثار مدیریت اسلامی

در مورد اول می‌توان گفت جدی‌ترین اثری که به مرور و آسیب‌شناسی ادبیات مدیریت اسلامی پرداخته است، مقالات استخراج‌شده از پروژه عظیمی در دانشگاه امام حسین (ع)

است که از اواخر دهه ۱۳۶۰ آغاز شد و در گام اول به شناخت منابع و آثار مدیریت اسلامی پرداخت (ازگلی و عابدی جعفری، ۱۳۸۷: ص ۱۰۱). این پروژه به مرور آثار اصلی که در حوزه مدیریت اسلامی - اعم از موضوع، منبع و روش اسلامی - تا پایان سال ۱۳۷۰ تحریر شده بود، پرداخت و این آثار را از ابعاد منابع تحقیق، قالب‌ها و شکل عرضه منابع، سیر زمانی آثار، مؤلفان حقیقی و حقوقی آثار، فراوانی موضوعی آثار، گرایش‌های مؤلفان و مخاطبان این آثار، موانع و روش‌های تحقیق، ویژگی‌های محقق مدیریت اسلامی، شناسایی افق‌های آینده و برخی از مباحث قابل تحقیق بررسی کرد (عابدی جعفری و ازگلی، ۱۳۸۸: ص ۳۳-۳۱).

دکتر چاووشی (۱۳۸۸) با بررسی آثار منتخب در مدیریت اسلامی به طبقه‌بندی این آثار به لحاظ رویکردهای نظری محققان آنها پرداخته است. وی پنج رویکرد نظریه رشد، اصول‌گرایی، اخلاق و ویژگی‌های مدیران اسلامی، وظایف مدیران مسلمان و تأثیر ارزش‌های اسلامی در مدیریت را احصا کرده است (چاووشی، ۱۳۸۸: ص ۴۳).

دکتر امیری (۱۳۸۶) چهار سطح شناختی تجربی-عینی، فلسفی-عقلایی، عرفانی-شهودی و اجتهادی-فقهی را برای طبقه‌بندی آثار مدیریت اسلامی پیشنهاد می‌دهد. آسیب‌شناسی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه مدیریت اسلامی با رویکرد فراترکیب (سهرابی، اعظمی، و یزدانی، ۱۳۹۰) براساس روش آنتروپی شانون به بررسی آثار منتخب پرداخته و درنهایت، ضعف ساختاری را مهم‌ترین آسیب آثار مدیریت اسلامی معرفی می‌کند.

دکتر خنیفر (خنیفر، ۱۳۸۴ب) با بررسی آثار منتخب، هفت‌گونه رویکرد استناد به آیات و روایات محض، استناد به آیات و روایات محض و انطباق مختصر با مباحث علمی، مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ای، استدلال‌های عقلی، استناد به نهج‌البلاغه، رویکرد ادبی، رویکرد اخلاقی (خنیفر، ۱۳۸۴ب: ص ۱۹۵-۱۹۰) را برشمرده است.

چهار بعد موضوعی یا محتوایی، روش‌شناختی، منابع مورد استفاده و درنهایت، نویسندگان و مؤلفان، ابعادی است که دکتر رحمتی (رحمتی، ۱۳۸۸) در بررسی آثار

مدیریت اسلامی ملاک قرار داده است.

۲-۱. مرور و آسیب‌شناسی موضوعی شناختی آثار مدیریت اسلامی

مرور و طبقه‌بندی آثار مدیریت اسلامی به لحاظ موضوعی متفاوت از مرور براساس موضوع‌شناسی فلسفی است؛ در حالت اول، طبقه‌بندی‌های موضوعی نظیر اصول و کلیات مدیریت، رهبری، اخلاق در مدیریت، اداره حکومت، تئوری‌ها، منابع انسانی، سازماندهی، ویژگی‌های مدیر، رفتار سازمانی، مطالعات تطبیقی، تصمیم‌گیری، طرح‌های تحقیقی، کنترل و نظارت، ارتباطات، انگیزش، برنامه‌ریزی، بررسی‌های تاریخی (از گلی و عابدی جعفری، ۱۳۸۷) و نظریه‌ها، اصول مدیریت و حکومت، تکنیکی و عملیاتی، پندها و آموزه‌های اخلاقی (رحمتی، ۱۳۸۸) صورت گرفته است، اما تاکنون به لحاظ موضوع‌شناسی فلسفی به مرور و آسیب‌شناسی آثار مدیریت اسلامی پرداخته نشده است؛ این چیزی است که در پژوهش حاضر دنبال خواهد شد.

۳. روش پژوهش

۳-۱. چیستی و چرایی موضوع‌شناسی فلسفی علوم

فلسفه که به شناخت مطلق وجود می‌پردازد^۱ (طباطبایی، ۱۳۸۶ الف: ص ۶)؛ در موضوع خود اعم از موضوعات سایر علوم است^۲ (طباطبایی، ۱۳۸۰: ص ۵) و بدین جهت، علمی آزاده از نیاز به سایر علوم است^۳ (شیرازی، ۱۳۸۵: ص ۵) و این سایر علوم^۴ هستند که در

۱. الحکمة الإلهية علم يبحث فيه عن أحوال الموجود بما هو موجود و موضوعها الذی يبحث فيه عن أعراضه الذاتية هورالموجود بما هو موجود و غايتها معرفة الموجودات على وجه کلی و تمیيزها مما ليس بموجود حقیقی (طباطبایی، ۱۳۸۶ الف: ص ۶).

۲. أن الفلسفة أعمال علوم جميع الأن موضوعها أعمال موضوعات (طباطبایی، ۱۳۸۰: ص ۵).

۳. هذا العلم علم حرم طلق عن الافتقار إلى غير هو التعلق بما سواه و سائر العلوم بمنزلة العبيد و الخدامل هذا العلم (شیرازی، ۱۳۸۵: ص ۵).

۴. البته صرف‌نظر از اختلاف موضوعی فلسفه و عرفان که موضوع عرفان وجود واحد شخصی است و موضوع فلسفه وجودی است که دارای کثرت تباینی و تشکیکی است (جوادی آملی، ۱۳۸۶ الف).

نیاز به اثبات موضوع خود، دست به سوی فلسفه دراز دارند^۱ (طباطبایی، ۱۳۸۰: ص ۵). انسان که ذاتاً به دنبال حقیقت است^۲ (طباطبایی، ۱۳۸۶ الف: ص ۶)، با وانهادن اثبات هستی موضوعات علوم جزئی به فلسفه، به بحث درباره ماهیت موضوع علوم جزئی در آن علوم می‌پردازد (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ب: ص ۴۱۸).

بر این اساس، موضوع‌شناسی فلسفی علوم - به معنای علوم جزئی - مانند مدیریت از دو جهت ضرورت دارد: اولاً، اثبات وجود موضوع علم - بحث درجه دوم از علم - تنها در عهده فلسفه است و ثانیاً، بحث درجه اول از علوم که به ماهیات موضوع می‌پردازد با غفلت از وجود موضوع، دچار لغزش و انحراف خواهد شد. به عنوان نمونه غفلت از سنخ وجودی موضوع علم مدیریت که از نوع اعتباریات است موجب شده تا تئوری‌هایی که اثبات‌گرایانه به بررسی موضوعات می‌پردازند، به هنگام بحث درجه اول از مدیریت در دام ابژکتویسم^۳ گرفتار شوند.

۲-۳. تفاوت رویکرد موضوع‌شناسی فلسفی و رویکرد مرور موضوعی در بررسی

آثار مدیریت اسلامی

بررسی آثار مدیریت اسلامی در رویکرد موضوع‌شناسی فلسفی از بنیان‌های فلسفی آغاز و با شناخت ویژگی‌های ذاتی موضوع علوم، به‌سان نقشه‌ای هوایی از نظام موضوعات علم، به جایگاه‌یابی و آسیب‌شناسی آثار منتهی می‌شود (شکل ۱).

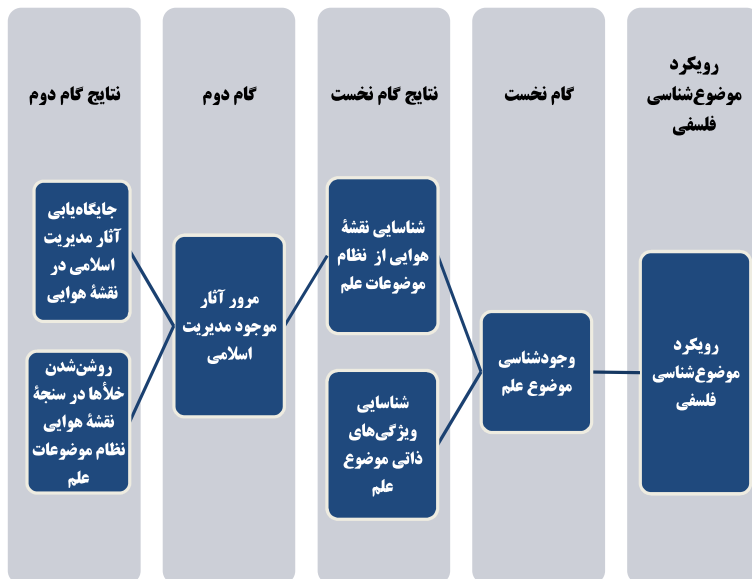
اما پژوهشگران در رویکرد مرور موضوعی وحدت رویه‌ای نخواهند داشت؛ به عبارت دیگر، در ضعیف‌ترین این پژوهش‌ها ثمره تحقیق، جدول فراوانی از عناوین

۱. فالعلوم جمعيات توفع عليها في ثبوت موضوعاتها و أما الفلسفة فلا تتوقف في ثبوت موضوعه اعلى شيء من العلوم فإن موضوعها الموجود العام الذين تصوره تصورا أوليا و نصدق بوجوده كذلك لأنال موجودية نفسه (طباطبایی، ۱۳۸۰: ص ۵).

۲. أن الإنسان يجد من نفسه أن لنفسه حقيقة و واقعية و أنه ناكحقيقة و واقعية و راء نفسه و أن له أنى صيبه افلا يطلب شيئا من الأشياء و لا يقصده إلا من جهة أنه هو ذلك الشيء في الواقع و لا يهر بمنشئ و لا يندفع عنه إلا لكونه هو ذلك الشيء في الحقيقة (طباطبایی، ۱۳۸۶ الف: ص ۶).

آثار موجود خواهد بود یا در قوی‌ترین آنها طبقه‌بندی به‌دست خواهد آمد که بر قاموس نظریه‌ای درون علم مدیریت - یا از علوم جزئیة دیگر - شکل خواهد گرفت که در این صورت ملاک طبقه‌بندی ما نظریه‌ای است که به‌لحاظ رتبی در عرض نظریه‌ها و موضوعات ما در مقسم، قرار می‌گیرد که فاقد ارزش رتبی و راهبردی است.

به‌عبارت‌روشن‌تر، در رویکرد موضوع‌شناسی فلسفی هنگامی که ویژگی‌های ذاتی موضوع علم مشخص شود به‌سادگی نقشه‌ هوایی به‌دست می‌دهد که می‌توان براساس آن تحقیقات موجود را متناظر با ویژگی‌های احصاشده طبقه‌بندی کرد و خلأهای موجود را توصیه کرد. اما اگر به‌مرور موضوعی آثار برویم یا باید به گزارش جدول فراوانی و تکرار موضوعات بسنده کنیم و یا در ادامه به طبقه‌بندی و مطابقت با نظریه‌ای درون‌علمی یا برون‌علمی برویم که اگر نظریه‌ای درون‌علمی را اتخاذ کنیم، مطالعه‌ی مروری ارزش معرفتی فراتئوریک نخواهد داشت و اگر در تطابق به نظریه‌ای از دیگر علوم تمسک جوییم در این صورت نیز به‌لحاظ رتبی در عرض مدیریت قرار خواهد گرفت و اگرچه دلالت‌هایی برای توصیه خواهد داشت، اما توصیه‌ای است که بر نقشه‌ هوایی نظام موضوعات علم مبتنا نخواهد داشت و امکان انحراف به میان خواهد آمد.



شکل ۱. رویکرد موضوع‌شناسی فلسفی

۴. گردآوری داده‌های پژوهش

۴-۱. گام اول: موضوع‌شناسی فلسفی مدیریت

علوم براساس موضوع خود به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

الف- علمی که موضوع آنها موجوداتی است که صرف‌نظر از اراده انسانی وجود دارند. از این دسته علوم در ادبیات اسلامی با عنوان حکمت نظری یاد می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶ الف: ص ۱۲۲). گزاره‌های این علوم هستاری است (پارسانیا، ۱۳۹۱: ص ۳۴).

ب- علمی که موضوع آنها موجوداتی است که در وجود خود قائم به اراده و آگاهی انسانی است. از این دسته علوم با عنوان علوم انسانی و در ادبیات اسلامی با عنوان حکمت عملی یاد می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶ الف: ص ۱۲۲). گزاره‌های این علوم بایستاری (پارسانیا، ۱۳۹۱: ص ۳۴) و از سنخ ادراکات اعتباری است (مطهری، ۱۳۷۲: ص ۴۷).

در دوره مدرن غایات علوم، تسلط فرد انسانی بر عالم طبیعت قرار گرفت. به همین جهت علوم، سمت و سویی ابزاری در راستای نیل به این هدف پیدا کردند. تجلی چنین رویکرد هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی از انقلاب صنعتی رخ نمود. با پیشرفت‌های فرد انسانی در تسلط بر عالم طبیعت و در پرتو انقلاب صنعتی مسائل مستحدثه‌ای شکل گرفت (رضائیان، ۱۳۸۶: ص ۳۵) که در پاسخ به آنها مفاهیمی چون مدیریت، سازمان و ساختار اعتبار شد^۱ و معنا یافت و در واقع این مسائل موجب پیدایش «علم» مدیریت با هدف بهره‌وری شد (رضائیان، ۱۳۸۶: ص ۴۱).

موضوع علم مدیریت شناخت کنش اجتماعی انسانی است (مکولی، ژوانی، و جانسون، ۲۰۰۷: ص ۱۴-۱۵)؛ بنابراین، علم مدیریت در زمره علوم انسانی و حکمت عملی قرار می‌گیرد و غایت آن شناخت گزاره‌هایی از سنخ بایستاری و ادراکات اعتباری است.

۴-۲. نتیجه گام نخست: شناسایی ویژگی‌های ذاتی موضوع علم؛ نقشه هوایی از

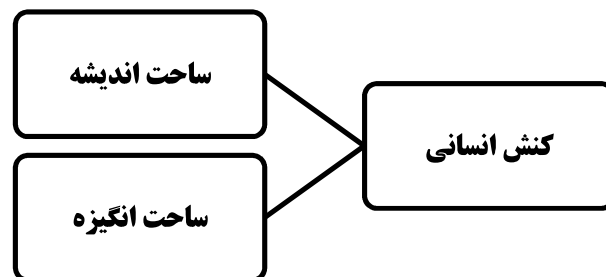
1. Enactment

نظام موضوعات علم

از آنجا که موضوع علم مدیریت فعالیت‌ها و کنش‌هایی است که انسان با نظر به جامعه انجام می‌دهد، ناشی از دو ساحت اندیشه و انگیزه (شکل ۲) و بالطبع دارای دو ویژگی اصلی زیر است:

الف- آگاهانه است: کنش انسانی وابسته به آگاهی و معرفت آدمی است؛ به گونه‌ای که بدون آگاهی انجام نمی‌شود. کارهایی که انسان به آنها آگاهی دارد اما وابسته به آگاهی نیستند - مانند ورزش باد که جهل انسان بدان موجب از بین رفتن آن نمی‌شود - کنش انسانی محسوب نمی‌شوند (پارسانیا، ۱۳۹۱: ص ۲۴).

ب- ارادی است: کنش انسانی وابسته به عزم و اراده آدمی است. فعالیت‌هایی که بدون اراده انسان صادر می‌شوند - مانند گردش خون در بدن - کنش انسانی نیستند (پارسانیا، ۱۳۹۱: ص ۲۵).



شکل ۲. ساحات کنش انسان

از آنجا که گزاره‌های علوم انسانی و بالتبع مدیریت از سنخ ادراک اعتباریات است، متضمن مبدأ و غایت است. توضیح آنکه چنانچه مرحوم علامه طباطبایی تبیین می‌فرمایند (طباطبایی و مطهری، ۱۳۶۸)، موضوع علوم انسانی ادراکات اعتباری است که از نتایج عقل عملی^۱ است. از نظر ایشان اعتباریات در مقابل امور غیر اعتباری - یا به عبارت دیگر، حقایق تکوینی - قرار می‌گیرد.

۱. عقل عملی مربوط به عزم، اراده و بخش گرم وجود انسان است و عقل نظری هنگامی که در برابر این معنا از عقل عملی قرار می‌گیرد، به شناخت حقایقی می‌پردازد که به وساطت عقل عملی یا بدون این واسطه ایجاد می‌شوند؛ بنابراین، کار عقل عملی عزم و اراده است و کار عقل نظری جزم و آگاهی.

بنابر رأی مرحوم علامه، اگرچه اعتباریات با تکوینیات رابطه تولیدی ندارند، اعتبار دارای باعث و غایتی است که آدمی با غایت رفع نیاز آنچه را که متلائم با قوای خود و در مسیر تحقق نیاز درمی یابد، اراده کرده و اعتبار و جوب می بخشد. در چهارچوب مبانی هستی‌شناختی اسلامی، عالم و نفس آدمی ذومراتب است و هرچه از مراتب دانی به سوی مراتب عالی می‌رویم؛ قوای آدمی به وحدت می‌گراید. بر این اساس، غایت و باعث آدمی مراتب عالی هستی خواهد بود. افزون بر اینکه فطرت این انسان در جهت همان غایات سرشته شده و نیازهای صادقش با همان غایات ارضا خواهد شد (پارسانیا، ۱۳۸۳؛ طباطبایی، ۱۳۷۱، ۱۳۸۶ الف؛ ۱۳۸۶ ب؛ ۱۳۸۸؛ طباطبایی و مطهری، ۱۳۶۸).

بر این اساس، پژوهش در حوزه مدیریت اسلامی در زمره ادراکات اعتباری و در سه ساحت خواهد بود:

الف- ساحت کشف: در این ساحت یا از جنبه تکوینی به کشف اعتباریات و مبانی باعث اعتباریات پرداخته خواهد شد و یا از جنبه تدوینی در دو حوزه تشریحی و عرفی - که البته ابتدای تامی بر جنبه تکوینی دارد- پژوهش خواهد شد.

ب- ساحت ساخت: در این ساحت اعتباریات جدیدی مبتنی بر معرفت اصیل اسلامی که از ساحت کشف به دست آمده است وضع و ساخته خواهد شد.

ج- ساحت تغییر: مسلماً تمامی آنچه در علوم انسانی غربی اعتبار شده است کاذب نیست؛ چراکه در قضایای اعتباری، ملاک حقانیت اعتباریات، اثربخشی آن است و حال چه بسیارند اعتباریاتی که بشر غربی در پاسخ به نیازهای جهان مادی اعتبار کرده است و صادق است. البته باید توجه داشت که بنابر ماهیت اعتباریات، انتخاب و اعتبار آن با انسان است، اما آثار و لوازم آن به اراده انسانی نخواهد بود؛ به عبارت دیگر، گزاره‌های انشایی ناگزیر به سوی معانی معده‌ای کشیده می‌شود که شبکه‌ای از معانی، کنش‌ها، هنجارها و رفتارهای مرتبط را شکل می‌دهند. در مدیریت غربی، فرد خودمحور با توجه به اصالت دادن به اراده خویش بررسی آثار

تکوینی اعتباریات را که از اختیار و اراده خود خارج می‌داند،^۱ مورد غفلت قرار داده است، شاید هم آن‌چنان آثار تلخی را در عرصه فرهنگ و تمدن خود می‌بیند که تغافل را پیشه خود کرده است. حال پژوهشگر حوزه علوم انسانی و اسلامی با توجه به این دقیقه و نظر به ساحت کشف در سه جنبه تکوین، تشریح و عرف از گرفتارشدن در این دام خواهد گریخت و آنچه از اعتباریات غربی را که خود نیز نیاز به استخدام آن دارد، در پرتو ساحت کشف، تغییر خواهد داد.

۳-۴. گام دوم: مرور آثار موجود مدیریت اسلامی و آسیب‌شناسی

با تعیین نقشه هوایی نظام موضوعات مدیریت اسلامی و روشن شدن جایگاه این سنخ پژوهش‌ها در گام قبل، به مرور و آسیب‌شناسی پژوهش‌های حوزه مدیریت اسلامی می‌پردازیم.

متأسفانه با وجود تحقیقات ارزشمندی که در ادامه بدان‌ها اشاره خواهد، تاکنون هیچ تحقیقی با توجه به هر سه ساحت کشف، ساخت و تغییر اعتباریات در حوزه مدیریت و سازمان وجود ندارد. در گران‌مایه‌ترین این آثار و با همه قوت تحقیق در ساحت کشف و ساخت اعتباریات، خلأ تئوریک در حوزه تغییر اعتباریات به چشم می‌خورد. در بهترین حالت به طرح سؤالاتی از چستی تغییر اعتباریات مدیریت غربی در ابتدا بر اعتبار جدید منبعث از منبع و روش معرفتی اسلامی بسنده شده است؛ یا طرح جامعه آرمانی را گریزگاهی برای فرار از ساحت تغییر در اعتباریات موجود و توقف در ساحت کشف

۱. مقصود، آثار بعید اعتباریات است. توضیح بیشتر اینکه برای اعتباریات می‌توان دوگونه آثار در نظر گرفت:

یک. آثاری مطابق با نظر معتبر

دو. آثاری موافق با صلاح معتبر

برای مثال اگر هدف اعتبارکننده‌های برآوردن نیاز جنسی باشد، در این صورت اعتبار همسری، از طریقی غیر از زوجیت، هدف وی را برآورده خواهد کرد و این اعتبار یک اعتبار صحیح است، چرا که غایت مورد انتظار از خود را برآورده کرده است. اما در نگاهی کلانتر با توجه به اینکه چنین اعتباری به مصلحت کلی شخص نیست و او را به غایت مورد نظر خالقش نمیرساند، اعتبار صحیحی نیست.

و از آنجا که علم دقیق و جامع به این مصالح واقعی، خارج از توان عقل بشری است، نقش قرآن و سنت (به عنوان منبع کشف یا داوری) در مکانیزم اعتبارسازی اجتماعی از سوی سیاستگذاران جدی می‌شود. نکته ای که می‌تواند خردمایه ورود کتاب تدوین به اعتبارسازی باشد.

قرار می‌دهند. عدم توجه نظام‌وار به هر سه ساحت، موجب خلأ علمی یا عملی شده است. در ضعیف‌ترین این آثار بدون توجه به جنبه تکوینی ساحت کشف در اعتباریات، تلاش می‌شود تا صرفاً با استفاده از منابع دینی به جنبه تدوینی اعتباریات، خواه تشریحی و خواه عرفی، دست یابند و در قوی‌ترین این آثار محققان در دو ساحت کشف و ساخت اعتباریات متوقف می‌شوند. حال این سؤال مطرح است که چگونه جامعه‌ای که حیات نظام عملی خود را در اعتبار اعتباریات مدیریت غربی می‌یابد، می‌تواند خود را در معانی جدید معتبر یابد؟ به عقیده نگارنده میراث علم و دانش اسلامی در ساحت کشف، برخوردار از آنچنان افقی متعالی در جنبه تکوین و قوت منابع در جنبه تدوین است که بایستی تمرکز اصلی محققان در تکیه بر این میراث عظیم و سریان معارف تدوینی و تکوینی به ساحت ساخت و تغییر اعتباریات باشد.

صرف‌نظر از ارزشیابی می‌توان به آثار کثیری اشاره کرد که در ساحت کشف و جنبه تدوین، از حوزه تشریحی به تحقیق پرداخته‌اند. این آثار با موضوعاتی نظیر مطالعه تطبیقی وظایف مدیریت در قرآن کریم (نجات‌بخش اصفهانی و شهریاری، ۱۳۸۸)؛ پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی (مصباح یزدی، ۱۳۸۵)؛ قدرت در مدیریت اسلامی (نادری قمی، ۱۳۷۸)؛ اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن (نقی‌پورفر، ۱۳۷۷ الف)؛ بررسی شخصیت اهل بیت در قرآن (نقی‌پورفر، ۱۳۷۷ ب)؛ تشویق و تنبیه در اسلام (سید علی‌پور، ۱۳۸۳)؛ آسیب‌شناسی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه مدیریت اسلامی (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۰)؛ تحلیل محتوای ادبیات مدیریت اسلامی (خنیف‌ر، ۱۳۸۴ ب)؛ اوصاف مدیر (کشوری، ۱۳۷۱) و آثار متعدد دیگری که در این زمینه براساس عهدنامه مالک اشتر و نهج‌البلاغه (احسانی، ۱۳۷۹)؛ اعتصامی و فاضلی کبریا، ۱۳۸۸)؛ اعرافی، ۱۳۸۰)؛ بشیر، ۱۳۸۵)؛ تقوی رفسنجانی، ۱۳۸۱)؛ ثواقب، ۱۳۸۰)؛ حق پناه، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰)؛ خزعلی، ۱۳۸۱)؛ خنیفر، ۱۳۸۴ الف)؛ دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸)؛ رحمانی، ۱۳۷۹)؛ رستمیان، ۱۳۷۹)؛ فلاح سلوک‌لایی، ۱۳۸۴)؛ کریمی، ۱۳۸۱)؛ ماندگار، ۱۳۷۹)؛ محسنی، ۱۳۸۴)؛ مشتاق، ۱۳۸۵)؛ ناصری، ۱۳۸۱)؛ نوایی، ۱۳۸۲)؛ الگوی اسلامی ارتباطات با مشتری مبتنی بر رابطه اخوت (محمدی، ۱۳۹۲)؛ نقش رهبری اسلامی

در اداره شرکت (عباسی،^۱ ۲۰۰۸)؛ مذهب به‌عنوان استراتژی وحدت (عاشور^۲ و برهان‌الدین،^۳ ۲۰۱۱)؛ رویکردهای مذهبی در مدیریت دانش (حیدر نقوی،^۴ ۲۰۱۲)؛ ارزش‌های اسلامی در مدیریت (مازلیزا،^۵ آزلینور^۶ و نورالسیاح،^۷ ۲۰۱۳)؛ دیدگاه دینی در کارآفرینی و صنعتی شدن (محمی‌الدین،^۸ ۲۰۱۳)؛ مکانیسم‌های کنترلی (محمی‌الدین، ۲۰۱۳) و مبانی مدیریت زمان (محمود^۹، ندیم^{۱۰}، مبین^{۱۱}، ۲۰۱۱) تحریر شده است.

آثاری که در ساحت کشف و جنبه تدوین و از حوزه عرفی به تحقیق پرداخته‌اند مانند بررسی شایستگی‌های مدیریت (بابایی،^{۱۲} وظیفه دمیرچی^{۱۳} و شریفی،^{۱۴} ۲۰۱۲)؛ ارتقای انگیزش شغلی مدیران (اسکندرزاده،^{۱۵} فرج‌اللهی،^{۱۶} نصیری^{۱۷} و معینی‌کیا^{۱۸}، ۲۰۱۱)؛ مدیریت منابع اسلامی (حقو،^{۱۹} حصمت،^{۲۰} مفیض‌الرحمان الازهری،^{۲۱} ۲۰۱۳)، رضایت شغلی

1. Abbasi
2. Achour
3. Boerhannoeddin
4. HaiderNaqvi
5. Mazliza
6. Azlinor
7. Nor Asiah
8. Mohiuddin
9. Muhammad
10. Nadeem
11. Mobeen
12. Babaei
13. VazifehDamirchi
14. Sharifi
15. Eskandarzadeh
16. Farajollahi
17. Nasiri
18. Moeni Kia
19. Hoque
20. Hasmat
21. MofizurRahman Al-Azhari

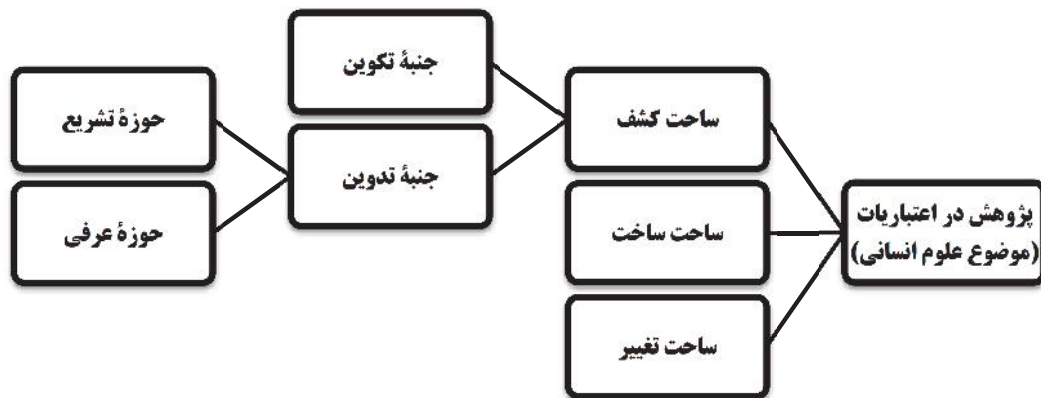
کارآفرینان (رفیکی^۱ و عبدالوهاب، ۲۰۱۳^۲) بیشتر ناظر به روش‌های پیمایشی است. در ساحت کشف و جنبه تکوین نیز منابع فلسفی، معرفتی و هستی‌شناختی اسلامی غنی از معارف است. بر این اساس، به آثاری اشاره خواهد شد که بیشتر به دنبال ساحت ساخت و با تکیه بر ساحت کشف - صرف‌نظر از چگونگی پرداخت به جنبه تکوین و تدوین - بوده‌اند. با تساهل و تسامح می‌توان آثاری با موضوعات مطالعه تطبیقی مدیریت اسلامی و مدیریت غربی رایج (بهارستان، ۱۳۸۳)؛ نظام ارزشی در مدیریت اسلامی و دیگر مکاتب (فروزنده دهکردی و ملائی، ۱۳۸۸)؛ در جست‌وجوی پارادایمی برای مدیریت دولتی (کلانتری و دانایی‌فرد، ۱۳۷۸)؛ تحلیل جایگاه ارزش‌ها در مدیریت (توکلی، ۱۳۹۱)؛ مدیریت اسلامی؛ رویکردی فقهی و اجتهادی (امیری، ۱۳۸۸)؛ تحلیل مبادی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی عدالت در اندیشه استاد شهید مطهری (پیغامی، ۱۳۸۷)؛ پیش‌فرض‌های معرفت‌شناسی در مدیریت اسلامی (گایینی، ۱۳۸۲)؛ مبانی جهان‌بینی، شناخت‌شناسی و انسان‌شناسی مدیریت اسلامی (آزنی احمد، ۲۰۱۲^۳) و طراحی مسئولیت اجتماعی سازمان (محمد زمانی، ۱۳۹۲) را نام برد.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تبیین چرایی و چیستی روش موضوع‌شناسی فلسفی در برابر مرور موضوعی علوم و تبیین نقصان‌های روش مرور موضوعی، موفق به ارائه نقشه‌هوائی نظام موضوعات مدیریت اسلامی (شکل ۲) شد. بر این اساس، موضوع علم مدیریت در زمره حکمت عملی قرار می‌گیرد. حکمت عملی به شناخت کنش‌های انسانی - که ناشی از عقل عملی است - می‌پردازد و کنش‌های انسانی (فعالیت‌های عقل عملی) از دو ساحت اندیشه و انگیزه آدمی و به‌عبارت‌دیگر، از دو ساحت باعث و غایت آدمی سرچشمه می‌گیرد (شکل ۱). براساس مبانی اسلامی انسان چنان ظرفیتی دارد که می‌تواند اندیشه و

1. Rafiki
2. AbdolWahab
3. Azni Ahmad

انگیزه خود را از مراتب عالم هستی به دنیا بکشاند. پژوهش‌های مدیریت اسلامی در سه ساحت کشف، ساخت و تغییر اعتباریات طبقه‌بندی می‌شود (شکل ۳).



شکل ۳. نقشه‌های نظام موضوعات پژوهش‌های علوم انسانی و مشخصاً مدیریت اسلامی در ادامه برای تبیین چگونگی موضوع‌شناسی فلسفی و آسیب‌شناسی مستند به نقشه‌های نظام موضوعات علم، آثار مدیریت اسلامی بررسی شد. متأسفانه تاکنون هیچ تحقیقی با توجه به هر سه ساحت کشف، ساخت و تغییر اعتباریات در حوزه مدیریت و سازمان وجود ندارد. در گرانمایه‌ترین این آثار و با همه قوت تحقیق در ساحت کشف و ساخت اعتباریات، خلأ تئوریک در حوزه تغییر اعتباریات به چشم می‌خورد. در بهترین حالت به طرح سؤالاتی از چستی تغییر اعتباریات مدیریت غربی در ابتدا بر اعتبار جدید منبعث از منبع و روش معرفتی اسلامی بسنده شده است یا طرح جامعه‌آرمانی را گریزگاهی برای فرار از ساحت تغییر در اعتباریات موجود و توقف در ساحت کشف قرار می‌دهند. در مجموع، عدم توجه نظام‌وار به هر سه ساحت کشف، ساخت و تغییر اعتباریات، چالش اصلی پیش روی حوزه مدیریت اسلامی شناسایی شد.

کتاب نامه

۱. احسانی، محمد. ۱۳۷۹. «تربیت سیاسی کارگزاران در مدرسه امام علی(ع)». معرفت. شماره ۳۹. ص ۱۷-۳۱.
۲. ازگلی، محمد و حسن عابدی جعفری. ۱۳۸۷. «مروری بر سیر تحقیقات مدیریت اسلامی در ایران». مصباح. شماره ۷۶. ص ۲۹-۵۲.
۳. اعتصامی، منصور و حامد فاضلی کبریا. ۱۳۸۸. «درآمدی بر الگوی مدیریتی امام علی(ع) از منظر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی». اندیشه مدیریت. شماره ۶. ص ۱۰۱-۱۲۸.
۴. اعرافی، علی رضا. ۱۳۸۰. «نگرش به حکومت و مدیریت از منظر امام علی علیه السلام». روش‌شناسی علوم انسانی. شماره ۲۶. ص ۲۲-۴۵.
۵. امیری، علی نقی. ۱۳۸۶. «رویکردهای مدیریت اسلامی: رویکرد تجربی». فصلنامه حوزه و دانشگاه. سال سیزدهم، شماره ۵۳. ص ۱۴۵-۱۶۳.
۶. _____ . ۱۳۸۸. «مدیریت اسلامی رویکرد فقهی - اجتهادی». روش‌شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه). شماره ۵۸. ص ۱۱۱-۱۲۸.
۷. بشیر، حسین. ۱۳۸۵. «سیمای کارگزاران در مدیریت اسلامی». اندیشه حوزه. شماره ۶۱ و ۶۲. ص ۱۱۵-۱۶۰.
۸. بهارستان، جلیل. ۱۳۸۳. «مطالعه تطبیقی مدیریت اسلامی و مدیریت رایج». مدرس علوم انسانی. شماره ۳۶. ص ۱-۳۶.
۹. پارسانیا، حمید. ۱۳۸۳. هستی و هبوط. قم. نشر معارف.
۱۰. _____ . ۱۳۹۱. جهان‌های اجتماعی. قم. کتاب فردا.
۱۱. پیغامی، عادل. ۱۳۸۷. «تحلیل مبادی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی مسئله عدالت در اندیشه استاد مرتضی مطهری(ره)». مطالعات اقتصاد اسلامی. شماره ۱. ص ۱۷۳-۲۰۰.
۱۲. تقوی رفسنجانی، مهدی. ۱۳۸۱. «نقش سلامت کارگزاران حکومتی در ثبات و کارایی نظام‌های سیاسی از دیدگاه امیرالمؤمنین علی(ع)». اندیشه صادق. شماره ۸ و ۹. ص ۷۸-۸۳.
۱۳. توکلی، عبدالله. ۱۳۹۱. «تحلیل جایگاه ارزش‌ها در مدیریت؛ گامی در نظریه‌پردازی مدیریت اسلامی». روش‌شناسی علوم انسانی. سال هجدهم، شماره ۷۱. ص ۹۹-۱۱۷.
۱۴. ثواقب، جهانبخش. ۱۳۸۰. «کارگزاران حکومت و راهکارهای اصلاحات». حکومت اسلامی. شماره ۲۲. ص ۱۴۷-۱۷۷.

۱۵. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۶ الف. ریحیق مختوم، شرح جلد اول اسفار (جلد ۱-۱). قم. اسراء.
۱۶. _____ . ۱۳۸۶ ب. ریحیق مختوم شرح جلد اول اسفار (جلد ۱-۴). قم. اسراء.
۱۷. چاووشی، سید کاظم. ۱۳۸۸. «بررسی رویکردهای نظری به مدیریت اسلامی». پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم. سال اول، شماره ۲. ص ۴۴-۵۳.
۱۸. حق‌پناه، رضا. ۱۳۷۹. «فلسفه‌مندی حکومت از دیدگاه امام علی (ع)». اندیشه حوزه. شماره ۲۶. ص ۱۹۲-۱۵۸.
۱۹. _____ . ۱۳۸۰. «شایسته‌سالاری در نظام علمی». اندیشه حوزه. شماره ۳۲ و ۳۱. ص ۲۱۸-۱۹۱.
۲۰. خزعلی، ابوالقاسم. ۱۳۸۱. «اصول چهارگانه حکومت از دیدگاه نهج‌البلاغه». نهج‌البلاغه. شماره ۴ و ۵. ص ۶۱-۷۰.
۲۱. خنیفر، حسین. ۱۳۸۴ الف. «ارائه‌الگوی مدیریت بومی مبتنی بر دیدگاه امام علی (ع) با استفاده از مدل مفهومی سه‌شاخگی». فرهنگ مدیریت. شماره ۸. ص ۱۴۶-۱۰۱.
۲۲. _____ . ۱۳۸۴ ب. «تحلیل محتوای ادبیات مدیریت اسلامی با تأکید بر آثار منتخب». فرهنگ مدیریت. شماره ۱۵۱. ص ۲۰۱-۱۵۱.
۲۳. دلشاد تهرانی، مصطفی. ۱۳۸۸. دلالت دولت: آیین‌نامه حکومت و مدیریت در عهدنامه مالک اشتر. تهران. دریا.
۲۴. رحمانی، محمد. ۱۳۷۹. «ملاک‌گزینش کارگزاران در حکومت علوی». حکومت اسلامی. شماره ۱۸. ص ۲۳۷-۲۱۴.
۲۵. رحمتی، محمدحسین. ۱۳۸۸. «نوع‌شناسی مطالعات مدیریت اسلامی به‌عنوان یک دانش میان‌رشته‌ای». مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی. شماره ۴. ص ۱۹۷-۲۲۰.
۲۶. رستمیان، محمدعلی. ۱۳۷۹. «وظایف و مسئولیت‌های حاکم در نگاه علی (ع)». حکومت اسلامی. شماره ۱۸. ص ۹۸-۱۲۵.
۲۷. رضائیان، علی. ۱۳۸۶. مبانی سازمان و مدیریت. تهران. سمت.
۲۸. سهرابی، بابک و اعظمی، امیر و حمیدرضا یزدانی. ۱۳۹۰. «آسیب‌شناسی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه مدیریت اسلامی با رویکرد فراترکیب». چشم‌انداز مدیریت دولتی. شماره ۶. ص ۲۴-۹.
۲۹. سید علی‌پور، سید خلیل. ۱۳۸۳. نقش تشویق و تنبیه در مدیریت اسلامی. پژوهشگر. شماره ۱. ص ۹۴-۱۰۶.

۳۰. شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم. ۱۳۸۵. الحاشیه علی الهیات الشفاء. قم: انتشارات بیدار.
۳۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین. ۱۳۷۱. انسان از آغاز تا انجام (ترجمه صادق لاریجانی). تهران: الزهرا.
۳۲. _____ . ۱۳۸۰. نهاية الحکمه. قم. مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۳. _____ . ۱۳۸۶ الف. بداية الحکمه. قم. مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۴. _____ . ۱۳۸۶ ب. نهاية الحکمه. قم. مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۵. _____ . ۱۳۸۸. مجموعه رسائل (رساله الولایه، علم، برهان و علم امام). قم. مؤسسه بوستان کتاب.
۳۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین و مرتضی مطهری. ۱۳۶۸. اصول فلسفه و روش رئالیسم (جلد ۲). قم. صدرا.
۳۷. عابدی جعفری، حسن و محمد ازگلی. ۱۳۸۸. «مروری بر سیر تحقیقات مدیریت اسلامی در ایران». مجله علوم انسانی. شماره ۷۶. ص ۵۲-۲۹.
۳۸. فروزنده دهکردی، لطف‌الله و الهه ملائی. ۱۳۸۸. «بررسی نظام ارزشی در مدیریت اسلامی و دیگر مکاتب». راهبرد یاس. شماره ۱۷. ص ۱۸۷-۱۶۶.
۳۹. فلاح سلوکلائی، محمد. ۱۳۸۴. «سیمای کارگزاران دولت اسلامی از منظر امام علی». معرفت. شماره ۹۳. ص ۱۱۸-۱۰۲.
۴۰. کریمی، علی. ۱۳۸۱. «علی (ع) و نحوه نگرش به قدرت». تاریخ اسلام (دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام). شماره ۱۲. ص ۱۱۸-۸۹.
۴۱. کشوری، احمدرضا. ۱۳۷۱. نگرشی بر مدیریت اسلامی: اوصاف مدیر. درس‌هایی از مکتب اسلام. شماره ۱۱. ص ۶۱-۵۸.
۴۲. کلانتری، بهروز و حسن دانایی‌فرد. ۱۳۷۸. «در جست‌وجوی پارادایمی برای مدیریت دولتی / آیا می‌توان از مدیریت دولتی اسلامی چیزی آموخت؟». مصباح. شماره ۲۹. ص ۷۶-۴۹.
۴۳. گایینی، ابوالفضل. ۱۳۸۲. «پیش‌فرض‌های معرفت‌شناسی در مدیریت اسلامی». روش‌شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه). شماره ۳۷. ص ۱۰۹-۶۹.
۴۴. ماندگار، محمدعلی. ۱۳۷۹. «نهج‌البلاغه و مبانی خط‌مشی‌گذاری در حکومت». علوم سیاسی (دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام). شماره ۱۱. ص ۲۱۰-۱۷۹.
۴۵. محسنی، علی. ۱۳۸۴. امام علی (ع) و رویکرد مردمی به حکومت و خاستگاه آن. دانش سیاسی. شماره ۱. ص ۱۵۸-۱۲۹.

۴۶. محمد زمانی، مجید. ۱۳۹۲. تبیین مسئولیت اجتماعی سازمان (کارشناسی ارشد). تهران. دانشگاه امام صادق(ع).
۴۷. محمدی، مهدی. ۱۳۹۲. الگوی اسلامی ارتباطات با مشتری مبتنی بر رابطه اخوت (کارشناسی ارشد). تهران. دانشگاه امام صادق(ع).
۴۸. مشتاق، زینب. ۱۳۸۵. «خصوصیات یک مدیر لایق و شایسته از دیدگاه اسلام». توسعه مدیریت. شماره ۷۲. ص ۲۲-۴۲.
۴۹. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۸۵. پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی. قم. مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۵۰. مطهری، مرتضی. ۱۳۷۲. اصول فلسفه و روش رئالیسم (جلد ۱). تهران. صدرا.
۵۱. مکولی، جان و ژوانی، دوبرلی و فیل جانسون. ۲۰۰۷. نظریه سازمان، نگاه‌ها و چالش‌ها (ترجمه، حسن دانایی‌فرد و سید حسین کاظمی). جلد ۱. تهران. انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
۵۲. نادری قمی، محمد مهدی. ۱۳۷۸. قدرت در مدیریت اسلامی. قم. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
۵۳. ناصری، عبدالمجید. ۱۳۸۱. «نظارت در حکومت علوی». معرفت. شماره ۵۲. ص ۵۶-۶۱.
۵۴. نجات‌بخش اصفهانی، علی و بهاره شهریاری. ۱۳۸۸. «مقایسه ویژگی‌های مدیریت از دیدگاه قرآن کریم با مدیریت از دیدگاه تفویری‌های غربی». پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم. سال اول، شماره ۲. ص ۷۳-۸۰.
۵۵. نقی‌پورفر، ولی‌الله. ۱۳۷۷ الف. اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن (ویرایش ۲). تهران. انتشارات مدیریت دولتی.
۵۶. _____ . ۱۳۷۷ ب. بررسی شخصیت اهل‌بیت در قرآن (ویرایش ۱). تهران. مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۵۷. نوایی، علی‌اکبر. ۱۳۸۲. «تصویری از کارگزاران در نظام اسلامی و بایدهای اخلاقی آن». اندیشه حوزه. شماره ۴۳ و ۴۴. ص ۸۷-۱۱۱.
58. Abbasi, Abdus Sattar. 2008. Role of Islamic leadership in value based corporate management. (doctor of philosophy in Management Sciences). National university of modern languages Islamabad.
59. Achour, Meguellati, and Boerhannoeddin, Ali Bin. 2011. The role of religiosity as a coping strategy in coping with work-family conflict and achieving employees'

- well-being. Paper presented at the International Conference on Social Science and Humanity. Singapore.
60. Azni Ahmad, Fadzila. 2012. "Philosophical underpinnings of Islamic management method: worldview, epistemology and ontology". *International journal of humanities and social science*. 2(20). p 150-161.
61. Babaei, Mohammad Bagher, Vazifeh Damirchi, Qader, and Sharifi, Saeed. 2012. "analysis of cultural management competencies with emphasis on the Islamic perspective". *Singaporean Journal of business economics, and management studies*. 1(4). p 40-45.
62. Eskandarzadeh, A, Farajollahi, M, Nasiri, P, Moeni Kia, M. 2011. "Ways to enhance job motivation of managers in Ardabil". *World applied sciences journal*. 14(8). p 1179-1185.
63. Hoque, Nazamul, Hasmat Ali, M.D, Mofizur Rahman Al-Azhari, B.M. 2013. "Islamic resurgence movements in Bangladesh: Experiences from Iran and Turkey". *World journal of Islamic history and civilization*. 3(2). P 73-84.
64. Imran Haider Naqvi, Kanwal Bilal, Muhammad Usman Yusuf David Simm. 2012. "Religious perspective in knowledge management rationalizes business". *World applied sciences journal*. 19(2). p 223-228.
65. Mazliza, Mohamad, Azlinor, Sufian, و Nor Asiah, Mohamad. 2013. Advocating Islamic values and principles in the management of STRATA schemes in Malaysia: some notes for consideration. Paper presented at the international conference on business and economic research (4TH ICBER 2013) proceeding, golden flower hotel, Bandung, Indonesia.
66. Mohiuddin, Golam. 2013. "Mechanism of controlling from divine sources". *Human resource management research*. 3(3). p 106-108.
67. Mohiuddin, Golam. 2013. "Religions views on industrialization and entrepreneurship: A study in Islamic perspective". *Human resource management research*. 3(3). p 101-105.
68. Muhammad U, Sami, Nadeem, Ehsan, F, Hameed Mobeen, A, Khan, J, Rahim. 2011. High level principles of time management in Islam. Paper presented at the international conference on sociality and economics development. Singapore.
69. Rafiki, Ahmad, Wahab, Kalsom Abdul. 2013. Measuring entrepreneurs' satisfaction from Islamic perspective: A study on small firms in North Sumatera, Indonesia. Paper presented at the international conference on business and economic research (4TH ICBER 2013) proceeding, golden flower hotel, Bandung, Indonesia.

